شبهه‌شناسی
گفتمان سازی
و پاسخ‌گوئی
روزهای حماسه
دفاع مقدس

ویژه‌نامه
چندرسانه‌ای
ماهنامه شبهات

۱۲۲

# دوگانه‌های موهوم

**شبهه:** چرا همیشه ما می بایست برای بدست آوردن منافع خود بین دو امر متضاد قرار بگیریم؛ موشک یا معیشت، مقاومت یا زندگی، میدان یا دیپلماسی؟



«موشک یا معیشت»، «مقاومت یا زندگی»، «حجاب یا امنیت»، «میدان یا دیپلماسی»، «مذاکره یا جنگ» و حتی «میدان یا هیئت»؛ اینها نمونه‌هایی از دوگانه‌هایی هستند که گاه با شدت و ضعف متفاوت در فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور مطرح می‌شوند. هرکدام از این موضوعات می‌توانند زمینه بحث، نقد و مطالبه‌گری باشند، اما مسئله از جایی آغاز می‌شود که دو موضوع قابل جمع، در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند و چنین القا می‌شود که پیشرفت در یک عرصه، مستلزم عقب‌نشینی در عرصه‌ای دیگر است.

آیا واقعاً باید میان قدرت دفاعی و رفاه اقتصادی یکی را انتخاب کرد؟ آیا مقاومت به معنای نادیده‌گرفتن معیشت مردم است؟ آیا مسئولین باید میان دیپلماسی یا میدانی کی را انتخاب کنند؟ و آیا حضور در هیئت و میدان داری قابل جمع نیستند؟ واقعیت آن است که بسیاری از این مسائل نه در تقابل با یکدیگر، بلکه در امتداد و تکمیل یکدیگر معنا پیدا می‌کنند. کشور به اقتصاد قدرتمند، دفاع بازدارنده، دیپلماسی هوشمندانه، امنیت پایدار، سرمایه اجتماعی و حیات معنوی نیاز دارد. مسئله اصلی، انتخاب میان این مؤلفه‌ها نیست؛ بلکه یافتن نسبت صحیح و مدیریت هوشمندانه میان آنهاست.

یکی از پیچیده‌ترین شیوه‌های ضربه‌زدن به کشور، نه حمله نظامی و تحریم اقتصادی است؛ بلکه ایجاد شکاف در ذهن و تغییر صورت‌بندی مسائل در افکار عمومی است. دشمن چون می‌داند نظام اسلامی برخوردار از سرمایه اجتماعی است، برای تضعیف این قدرت، پیش از هر چیز انسجام درونی جامعه را هدف می‌گیرد. دشمنان نظام اسلامی آگاهانه و با برنامه ریزی، برخی سیاسیون داخلی برای رقابت‌های جناحی و کسب منافع کوتاه‌مدت و برخی چهره‌های فرهنگی با ساده‌اندیشی و هیجان‌زدگی، باعث تولید چنین دوگانه هایی می شوند که بازنمایی آن ها به گونه ای است که گویی جامعه ناگزیر است یکی را انتخاب کند و دیگری را کنار بگذارد؛ دستگاه تبلیغاتی و امپراتوری رسانه‌ای دشمن، با برجسته‌سازی، تقطیع، تکرار و جهت‌دهی به این گزاره‌ها، آنها را به موضوعات اصلی افکار عمومی تبدیل می‌کند.

اینجاست که جنگ شناختی معنا پیدا می‌کند. در جنگ شناختی، دشمن لزوماً به دنبال تغییر واقعیت نیست؛ او می‌کوشد برداشت جامعه از واقعیت را تغییر دهد. مسئله را جابه‌جا کند، اولویت‌ها را مخدوش سازد، اعتماد عمومی را فرسایش دهد و کاری می‌کند که مردم و حتی برخی تصمیم‌گیران، مسائل کشور را از دریچه‌ای نادرست ببینند. حاصل چنین فرایندی، خطای محاسباتی است؛ خطایی که ممکن است یک مسئول را در تصمیم‌گیری راهبردی به اشتباه بیندازد و افکار عمومی را به جای مطالبه هم‌افزایی، درگیر صف‌بندی‌های فرساینده کند.

در این میان، ساده‌انگاری برخی چهره‌های شناخته‌شده و سیاسی نیز می‌تواند به این فرایند شتاب ببخشد. هر سخن پرمخاطبی الزاماً سخن دقیقی نیست و هر موضع‌گیری جنجالی، نشانه شجاعت و صراحت نیست. گاهی یک جمله نسنجیده، خوراک چندماهه رسانه‌هایی می‌شود که مأموریتشان تبدیل اختلاف‌نظر به اختلاف هویتی است. نقد ضروری است، مطالبه‌گری حق مردم است و هیچ‌کس نباید به بهانه وحدت، از پاسخ‌گویی و اصلاح خطاها فرار کند؛ اما نقد با تخریب سرمایه اجتماعی و مطالبه‌گری با دمیدن در آتش دوقطبی‌سازی تفاوتی اساسی دارد.

قرآن کریم در آیه ۴۶ سوره انفال، یک هشدار راهبردی و همیشگی صادر می‌کند: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»؛ با یکدیگر نزاع نکنید که سست می‌شوید و قدرت و هیبت شما از میان می‌رود. این آیه صرفاً توصیه‌ای اخلاقی برای خوش‌رفتاری نیست؛ بلکه بیان یک قاعده مهم در حفظ قدرت و اقتدار جمعی است. اختلاف، اگر به تنازع تبدیل شود، توان ملی را مستهلک می‌کند و فرصت را در اختیار دشمن قرار می‌دهد.

نباید فراموش کرد که سیاست شناخته‌شده «تفرقه بینداز و حکومت کن» دقیقاً بر همین نقطه ضعف جوامع تکیه دارد. دشمن برای غلبه بر یک ملت، همیشه نیازمند شکست‌دادن آن در میدان نبرد نیست؛ گاهی کافی است کاری کند که اعضای آن ملت، انرژی و توان خود را صرف تقابل با یکدیگر کنند.

مسئله ایران، انتخاب میان موشک و معیشت، مقاومت و زندگی، میدان و دیپلماسی یا هیئت و میدان نیست؛ مسئله، ساختن ایرانی است که در همه این عرصه‌ها توانمند، مستقل، برخوردار و مقتدر باشد.

و این همان نقطه‌ای است که باید در برابر تمام دوگانه‌های وحدت‌سوز، با صدای بلند از آن دفاع کرد: اختلاف نظر طبیعی است، اما تضعیف انسجام ملی، نه حق ماست و نه به سود آینده ایران.